

## تحلیل اخبار به عنوان گفتمان

نویسنده: تنو وان دیک

مترجم: سیدرضا نقیب السادات

### اخبار به عنوان گفتمان

یکی از آشکارترین خصوصیات اخبار رسانه‌ها، که در هر دو زمینه‌ی روش‌های سنتی و نوین گزارش رسانه‌ها مورد غفلت قرار گرفته این است که گزارش‌های اخبار چه در مطبوعات، چه در تلویزیون تشکیل‌دهنده‌ی نوع ویژه‌ای از گفتمان است.

تأثیر غالب علوم اجتماعی در مطالعه‌ی ارتباطات جمعی، منتهی به یک تمرکز تقریباً انحصاری بر جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، روان‌شناختی آماده‌سازی (پردازش) اخبار شده است.

این جهت‌گیری آگهی‌های با اهمیتی را در خصوص شرایط (کلان) تولید اخبار و کاربردها یا اثرات گزارشگری رسانه‌های جمعی فراهم آورده است.

پیام فی نفسه در این‌گونه مطالعات منجر به جلب توجه به آن جنبه‌ای شده است که صرفاً فراهم آوردن اطلاعات در خصوص عوامل زمینه‌های متفاوت آن است. اشکال سنتی تحلیل محتوا همانند روش‌های جدیدتر آن به سوی یک توصیف روش‌شناختی مناسب ویژگی‌های انتخابی این‌گونه پیام‌های رسانه‌ها با این مقصد اولیه که قادر به حصول (یا ساختن) نتایج متنی (زمینه‌ای) باشد، هدف‌گیری شده است. تناسب این شیوه‌ها بیشتر در قابلیت اعتبار امتیازدهی مقولات و ماهیت دقت در طرز عمل آماری نهفته است تا تحلیل منظم و درک صحیح پیام‌های رسانه‌ها. در برابر پیشینه‌ی توسعه‌های اخیر در مطالعات گفتمانی میان‌رشته‌ای جدید، در حال حاضر قادریم شیوه‌های مختلفی را به کار گیریم.

آنچه که برای این جهت‌گیری نوین اصلی است، دیدگاه آن در خصوص مرکز ثقل فرآیند ارتباطات جمعی یعنی خود ماهیت گفتمان‌های واسطه‌ای آن است. البته این گفتمان‌ها صرفاً تحلیل بر حسب زمینه‌های قابل مشاهده و محاسبه یا متغیرهای میان‌رسانه‌ای بین خصوصیات منابع با شرایط تولید خصوصیات کاربر آن رسانه یا آثار آن نیست.

علاوه بر آن به طور کلی گفتمان‌های رسانه‌ای و گزارش‌های خبری به ویژه، باید به دلیل ماهیت خود آن‌ها مورد توجه قرار گیرد، به عنوان مثال به عنوان نوع ویژه به کارگیری زبان یا متن و به عنوان انواع معین عمل اجتماعی - فرهنگی این امر معنایش این است قبل از همه چیز، این‌گونه گفتمان‌های رسانه‌های باید بر حسب ساختارهای آن در سطوح مختلف توصیفی تحلیل گردد.

این‌گونه تحلیل‌های ساختاری محدود به توصیف‌های دستوری آوا شناختی، مورفولوژیک (تکواژ شناختی)، نحوی یا ساختارهای معنا شناختی واژه‌های منفرد، گردهمای واژگانی، یا جملات چنان که در زبان‌شناسی زایشی یا ساختار موجود است، نیست. علاوه بر آن (تحلیل) گفتمان‌ها دارای خصوصیات پیچیده‌تر و سطح بالاتری همچون، پیوستگی روابط بین جملات، عناوین کلی و اشکال شماتیک (تصویری) را همانند ابعاد مرتبط با سبک معانی بیان داراست. همانند هر دو جنبه متون مکتوب یا شفاهی یا همانند تعامل گفتاری دو جانبه، گفتمان‌های رسانه‌ای مثبتی پیوسته از هر دو جنبه‌ی سازمان

مجزا تر و کلی تر خویش را دریافت می‌دارند. در این شیوه ما قادریم که به عنوان مثال کارکردهای ساختاری و متنی تیتراها، یا لیدهای گزارش‌های خبری را در مطبوعات همانند سبک، نظم، و سازمان موضوعی این گونه اخبار رسانه‌ها را توصیف کنیم.

همچنین مصاحبه‌های خبری یا گفتگوها می‌تواند بر حسب تغییر جهت، پیامدها یا حرکات استراتژیک در تعامل گفتاری ارتباطی عمومی، تحلیل گردد.

اما همچنان این زمینه‌ها همه تحلیل گفتمان نیست. مطالعه‌ی گفتمان محدود به احتساب ضمنی ساختارهای هر جمله نیست. توسعه در مطالعه‌ی گفتمان‌ها در رشته‌های مختلف همانند ارتباط گفتاری، روان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی خرد، و قوم‌نگاری نشان داده است که تحلیل گفتمان بررسی ساده‌ی ساختارهای متون منفرد یا گفتارهای درجا نیست؛ بلکه یک واقع‌ی ارتباطی پیچیده است که علاوه بر آن متضمن یک زمینه‌ی اجتماعی شناخت و ویژگی‌های مشارکت کنندگان همانند فرآیندهای تولید و دریافت پیام است. گرچه یک تحلیل ساختاری صحیح از گفتمان‌های رسانه‌ای تاکنون توانسته است که مشارکت‌های با اهمیتی را در مطالعه‌ی ارتباطات جمعی فراهم آورد، و این مطالب توسعه یافته زمینه‌ای در خصوص گفتمان است که زمینه‌های مرتبط با مطالعه‌ی گفتمان‌های رسانه‌ای را فراهم می‌آورد. در این وادی، تحلیل گفتمان همچنین می‌تواند آگاهی‌های جدیدی را در زمینه‌ی فرآیند تولید و به کارگیری اخبار و مطالب به دست دهد که به حق، عاملی بسیار با اهمیت در پژوهش‌های ارتباط جمعی است. نکته‌ی جدید در این شیوه، این است که بسیاری از عوامل و یا فشارها در تولید از شرایط اقتصادی گرفته تا روزمرگی اجتماعی و نهادی تهیه‌ی اخبار، حالا می‌تواند منحصراً مرتبط با ویژگی‌های ساختارهای مختلف گزارش‌های خبری باشد.

این امر در فرآیندهای پذیرش خبر نیز صحت دارد. درک، به خاطر سپاری و بازتولید اطلاعات خبری حالا می‌تواند به عنوان یک کارکرد هر دو خصوصیت منفی (شناختی) و زمینه‌ای (اجتماعی) فرآیندهای ارتباطی مورد مطالعه قرار گیرد.

### توسعه تحلیل گفتمان

به کارگیری تحلیل گفتمان در پژوهش‌های ارتباط جمعی نسبتاً جدید است. بنابراین مختصری به عنوان مقدمه در زمینه‌ی پیشینه و توسعه‌ی این روش جدید ضروری است. از سوی دیگر این شمای کلی تاریخی ممکن است نشان دهنده‌ی ریشه‌های چند رشته‌ای آن همانند اختلافات نظری و متدولوژیک حوزه‌ی تحلیل گفتمان باشد. گرچه تاریخ مطالعات گفتمانی این روش جدید چند رشته‌ای ممکن است به شیوه‌های کهن علوم معانی بیان و شعر بیش از ۲۰۰۰ سال پیش بازگردد، اما توسعه‌ی

مدرن آن از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ آغاز شده است. هم عرض با آن به لحاظ روش شناختی ملهم از توسعه‌ی دستور زبان زایشی و ساختاری در زبان‌شناسی بوده است، با این وصف مطالعات اخیر گفتمان یکی از ریشه‌هایش در مردم‌شناسی و قوم‌نگاری<sup>۱</sup> و پیوندهای این رشته‌ها با شعرشناسی و نشانه‌شناسی است.

در مقابل پیشینه‌های تاریخی نهضت فورمالیسم روسی<sup>۲</sup> که به وسیله‌ی انقلاب شوروی انجام شد، مردم‌شناسان، زبان‌شناسان و ادیبان اولین تحلیل‌های ساختاری اصلی را از انواع مختلف گفتمان فراهم آوردند.

تا زمان حاضر شاید مؤثرترین تحلیل‌ها در تمام مرزهای رشته‌ای، مورفولوژی ادیبان فولکوریک روسی پیشنهاد شده به وسیله‌ی ولادیمیر پروپ<sup>۳</sup> در ۶۰ سال پیش است.

برای دهه‌های متمادی در غرب، مطالعه‌ی پروپ و سایر فورمالیست‌های اولیه ملهم از مردم‌شناسی ساختاری کلودلوی استروس (۱۹۵۸ و ۱۹۶۰) در دهه‌ی ۱۹۶۰ ناشناخته بود. به همراه توسعه‌های جدید در زبان‌شناسی ساختاری، فعالیت‌هایش در اسطوره و ترجمه‌های اولیه‌ی فرانسوی فورمالیست‌های روسی<sup>۴</sup> انگیزه‌ی توسعه‌ی نهضتی شد که در حال حاضر به عنوان ساختگرایی فرانسوی شناخته می‌شود.

یکی از مشخصه‌های اصلی این روش ساختگرا، علایقش برای تحلیل نقل قول‌های (داستان‌ها) است. هر دو زمینه داستان‌های ادبی و روزمره، به وسیله‌ی شرح فیلم یا اسطوره‌های اجتماعی دنبال شده است. بنابراین توصیف‌های ملهم زبان‌شناختی را از دانشمندی چون بارت<sup>۵</sup>، گریمز<sup>۶</sup>، تودرف<sup>۷</sup>، کریستوا<sup>۸</sup>، اکو<sup>۹</sup>، متر<sup>۱۰</sup> و برمود<sup>۱۱</sup> در میان سایرین دریافت داشته است.

گرچه این مطالعات اساسی حدود سال‌های ۱۹۶۴ آغاز شده است، زمینه‌ی اجتماعی فرهنگی و به خصوص نفوذ آن‌ها، مستقل از نهضت‌های دانشجویی و پیامدهای تحولات آکادمیک در ۱۹۶۸ و پس از آن نبوده است.

دهه‌ی ۱۹۷۰ گسترش نفوذ سریع این نوع از ساختگرایی را در هر دو منطقه‌ی اروپا و ایالات متحده مشاهده کرد، اگرچه تأثیر نهایی آن می‌تواند در کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین مشاهده شود.

یکی از عناصر پیوند دهنده در این مجموعه شیوه‌های بسیار متفاوت، تولد دوباره‌ی رشته‌ی جدید یعنی نشانه‌شناسی<sup>۱۲</sup> (در فرانسه سمیولوژی) از چند رشته در علوم اجتماعی<sup>۱۳</sup> و علوم انسانی<sup>۱۴</sup> بود.

به عنوان مطالعه‌ی کلی نشانه‌ها، مردم‌شناسان، ادیبان، زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان را قادر ساخت تا به مطالعه‌ی معانی بپردازند و فعالیت‌های در واژه‌شناسی اهمیت بخشند تا از این طریق امکان پیوستگی و مقایسه‌ی مطالعات چند رشته‌ای را به دست آورند. در کنار مطالعات شناخته شده‌ی اسطوره‌ها، داستان‌ها و اشعار،

اهمیت دارد، ملهم از مطالعات فلسطینی است. در خلال دهه‌ی ۱۹۶۰ در زمینه‌ی فعالیت‌های زبانی انجام شده از سوی آستین<sup>۲۱</sup>، سیرل<sup>۲۲</sup> و گریس<sup>۲۳</sup>.

ایشان چارچوبی مضمومی را در خصوص اهمیت عملی کاربرد زبان فراهم آوردند و زمینه‌ی ایجاد پیوند ضروری بین تحلیل‌های گفتار شفاهی به عنوان موضوعات زبان‌شناسی از یکسو و انجام کنش اجتماعی از سوی دیگر به وجود آوردند. اگرچه بیشتر فعالیت ایشان چارچوب گفتارهای تک جمله‌ای محدود بود، این پیوند یا حلقه‌ی مفقوده عملی بین ساختارهای زبان‌شناسی و کنش اجتماعی نیز آشکار ساخت که مرتبط با تحلیل‌های گفتمانی به عنوان نتیجه‌ی اعمال واکنش‌های گفتاری<sup>۲۴</sup> برای پیوندهای بین متن و زمینه است.

چهارمین تأثیر بر روش تحلیل گفتمان برگرفته از ظهور رشته‌ی زبان‌شناسی اجتماعی<sup>۲۴</sup> در نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ بود. به جای مطالعه‌ی انتزاعی‌تر و فارغ از توجه به زمینه‌ی سیاست‌های زبانی بر حسب دستور زبان ساختاری یا زایشی است، زبان‌شناسی اجتماعی پیشنهاد دهنده‌ی یک مطالعه‌ی تجربی‌تر به کارگیری زبان فعال<sup>۲۵</sup> در زمینه‌ی اجتماعی‌اش است.

این زمینه بیشتر به تأثیر عوامل اجتماعی (طبقه، جنس، قومیت) تمرکز یافته است. بر این اساس با تمام اختلافات زبانی جوامع دارای گفتار مشترک از یک دستور زبان مشابه تبعیت می‌کنند.

تحت تأثیر فعالیت افرادی چون اروین تریپ<sup>۲۶</sup> و لایبوف<sup>۲۷</sup>، این مطالعه کاربردهای واقعی زبان طبیعتاً منتهی به تحلیل گوناگونی‌های سبکی و انواع مختلف گفتمان نظیر گفتمان والدین - فرزندان، داستان‌های روزمره، برخوردهای زبانی میان جوانان سیاه پوست شده است. همانند سایر رشته‌های ذکر شده، زبان‌شناسی اجتماعی معاصر با تحلیل‌های گفتمان اجتماعی ظهور کرده است.

پنجمین تأثیر در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ برگرفته از روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شناختی است. پس از به وجود آمدن دستور زبان زایشی، روان‌شناسی به سرعت حوزه‌ای جذاب از پردازش متن (آماده‌سازی) با کاربردهای آشکار آن را در روان‌شناسی تربیتی را کشف کرد.

درک مطلب، ذخیره، به خاطر سپاری، ارائه‌ی مطالب، بازتولید اطلاعات متنی، فرآیندهای اصلی تحلیل شده در این جهت‌گیری، پژوهش‌های انجام گرفته بود. داستان‌ها اصلی‌ترین نوع گفتمانی بودند که این فرآیند در جستجوی آن بود. البته دست کم این امر بیشتر مرهون انتقال دهندگان آمریکایی ملهم از تحلیل‌های ساختاری داستان‌ها بوده است. (وان دیک ۱۹۸۰)

سرنجام زبان‌شناسی به خودی خود از جهت تحت تأثیر فعالیت تحلیل‌های ساختاری قصه‌ها و داستان‌ها قرار داشت و شروع به رشد

همچنین این رشته علائق توجه بر تحلیل موضوعات یا اعمال فرهنگی را که بیش از آن در رشته‌های سنتی مورد غفلت قرار گرفته بود، گسترش داد. به عنوان مثال: اشارات، پرچم‌های ملی و نهادهای فیلم‌ها، آگهی‌های بازرگانی، پیام‌ها و سایر پیام‌های رسانه‌ها. (بسیاری از این مطالعات ابتدا در ژورنال معروف ارتباطات منتشر شده است). این روش نشانه‌شناسی بعدها نیز فعالیت تحلیل‌های پیام‌های رسانه‌ها و اخبار را تحت تأثیر قرار داد.

در همین زمان در آن سوی دیگر اقیانوس مردم‌شناسی ساختاری نیز تحلیل‌های منظم (سیستماتیک) اسطوره‌ها و ادبیات فولکلوریک را گسترش داد. هنوز نیز مردم‌شناسی زبانی در ایالات متحده، زمینه‌های مطالعات گسترده‌تر تحلیل گفتمان‌ها و وقایع ارتباطی را فراهم نموده است.

از سوی دیگر فعالیت افرادی چون هیمز<sup>۱۵</sup> و گامپرز<sup>۱۶</sup> در نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ ظهور قوم‌نگاری گفتار و قوم‌نگاری ارتباطی را شاهد هستیم.

در کنار تحلیل‌های ساختاری اسطوره‌ها، داستان‌ها، اشعار و انواع مختلف گفتمان‌های روزمره، این جهت‌گیری، همه‌ی زمینه‌ی قوم‌نگارانه این گونه است. گفتمان‌ها را که دربر دارنده‌ی نمایش فعالانه یا شرایط اجتماعی و فرهنگی به کارگیری آن‌هاست، مورد آزمایش قرار داده است.

### تحلیل گفتگوها (مباحثات)

دومین منبع اصلی تحلیل گفتمان‌های اخیر می‌تواند در جامعه‌شناسی خرد دریافت شود. در برابر پیشینه‌ی جهت‌گیری تفسیری متفاوت پدیدار شناسانه، جامعه‌شناسان با طیفی متفاوت چون گافمن (۱۹۵۹-۱۹۶۷)، گارفینگل (۱۹۶۷) و کیکورل<sup>۱۷</sup> (۱۹۷۳) توجه‌شان بر تعاملات روزمره و معانی و تفاسیر مورد نظر آن‌ها متمرکز شده است.

این چارچوب بزودی منتهی به علائق خاصی در یکی از دنیوی‌ترین و پرجاذبه‌ترین انواع تعاملات روزمره یعنی گفتگو<sup>۱۸</sup> شد.<sup>۱۹</sup>

تحت تأثیر فعالیت‌های «سیکس» این تحلیل مباحثات بزودی به سایر رشته‌ها نظیر زبان‌شناسی اجتماعی و قوم‌نگاری گسترش یافت و در حال حاضر نیز یکی از پارادایم‌های مسلط در حوزه‌ی گسترده‌تر تحلیل گفتمان است.

در کنار توجه مداوم به گفتگوهای غیر رسمی، این زمینه نیز بر تحلیل سایر انواع تعاملات گفتاری نظیر گفتگوهای پزشکان با بیماران، تعاملات کلاسی، میتینگ‌ها، مصاحبه‌های شغلی تأثیر گذاشت.

### پراگماتیک و زبان‌شناسی اجتماعی

سومین جمعیت پژوهشی که در توسعه‌ی روش تحلیل گفتمان

روش‌های زبان‌شناسانه و احساسی‌تر ندارد و محدود به گفتار شفاهی فعال<sup>۳۴</sup> نیست؛ یعنی خود متن یا گفتار.

به خصوص برای تحلیل گفتار<sup>۳۵</sup> این امر آشکار است که گوینده و شنونده و خصوصیات فردی و اجتماعی ایشان و سایر جنبه‌های موقعیت اجتماعی مرتبط با این واقعه است. در این حالت یک مباحثه<sup>۳۶</sup>، یک میتینگ، یک جلسه‌ی محاکمه‌ی دادگاه یا یک درس کلاسی همه مثال‌های چنین واقعه‌ی ارتباطی پیچیده‌اند.

این موارد ممکن است که به کنش‌های ارتباطی کوچکتر نظیر مباحثه در خصوص یک داستان یک مشاخره در دفاع از یک آزمون سخت تا تشریح یک موضوع در کلاس توسط معلم تحلیل گردد و به عنوان مثال برخی از این موارد، داستان‌ها یا بحث‌ها، ممکن است نشان‌دهنده‌ی خصوصیات مشابه کنش‌های ارتباطی یا انواع گفتار سایر زمینه‌های اجتماعی باشند.

برای انواع [تحلیل] گفتار مکتوب یا چاپی، این ماهیت تعاملی گفتار کمتر آشکار می‌شود. نویسنده، متن و خواننده کمتر از نزدیک در یک موقعیت فضایی - زمانی قابل تعیین مشارکت می‌کنند.

نویسنده اشکال<sup>۳۷</sup> و معنایی را تولید می‌کند که فرض می‌شود برای خواننده قابل درک است یا ممکن است صریحاً از سوی خوانندگان دنبال شود یا به طور کلی عکس‌العملی است که برای درک صورت گرفته است مانند یک مباحثه.

در یک ارتباط مکتوب نویسندگان و خوانندگان درگیر در شکلی از عمل فرهنگی اجتماعی هستند.

این خصوصیات نیز در زمینه‌ی تحلیل گفتار اخبار صادق است. از یک جنبه‌ی محدود، ممکن است یک تحلیل انتزاعی از ساختار گزارش‌های خبری را به عنوان یک نوع ویژه‌ای از تحلیل گفتار همگانی بدست دهیم.

هنوز هم در این شکل چنان‌که بعداً به تفصیل خواهیم آورد، این‌گونه ساختارهای گزارش‌های خبری می‌تواند به شکل مناسب درک شود، فقط اگر ما آن‌ها را به عنوان نتیجه‌ی فرآیندهای شناختی<sup>۳۸</sup> (موقعیتی) و اجتماعی تحلیل گفتار و معنای تولید شده به وسیله‌ی روزنامه‌نگاران یا چنان‌که به فرآیند تفسیر و به کارگیری رسانه‌ها به وسیله‌ی خوانندگان روزنامه‌ها یا بینندگان تلویزیون مربوط می‌شود، مورد تحلیل قرار دهیم.

اما به دلیل تحلیلی این ممکن است مفید باشد که این فرآیند شناختی یا اعمال اجتماعی ارتباط متنی و ساختارهای خود متون رسانه‌ها تمایز قائل شویم.

در مطالعه‌ی ما، بر ساختارهای متنی گزارش‌های خبری تمرکز می‌یابیم و فقط براساس موقعیت مقتضی آن‌ها را با زمینه‌های شناختی، اجتماعی یا سیاسی آن‌ها که بیشترین توجه به آن‌ها در سایر فعالیت‌های

در خارج از مرزهای جملات خود تحمیلی<sup>۳۹</sup> خودش کرد. به خصوص در اروپای غربی، پژوهش‌ها در خاتمه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ اولین پیشنهادات برای دستکاری<sup>۴۰</sup> استادانه‌ی دستورهای زبان متنی و نظریه‌های متنی را به وجود آوردند. (وان دیک ۱۹۷۲)

این زمینه طراحی شده بود تا قانونمندی‌های زبانی توالی جملات را و تفسیرهای معناشناسی سطحی بالاتر را بر حسب ساختارهای کلان به دست آورد.

در بریتانیای کبیر، این توجه به ساختارهای گفتاری مشخصه بسیار از مطالب زبان‌شناسی ملهم از گرامر منظم یاد شده بوده است که به وسیله‌ی هالیدی<sup>۴۱</sup> توسعه داده شده بود.

این امر در فعالیت‌های زبانی شناخت متون درک شده بود که نه تنها خصوصیات زبانی مورد توجه توالی‌ها و همه‌ی اجزای یک متن، بلکه ساختارهای آوا شناختی و نحوی همانند تفاسیر معنا شناسانه‌ی جملات وابسته به جایگاه‌ها و کارکردهایشان در گفتار هستند.

مشاهداتی مشابه در دستور گفتاری توسعه یافته در ایالات متحده آمریکا انجام شده بود. این اشکال مختلف تحلیل‌های گفتاری زبانی همچنین برای اولین بار اجازه داد تا روابط انحصاری معین بین ساختارهای دستوری یک متن از یکسو و ساختارهای گفتاری - به عنوان مثال ساختارهای مقصود - از سوی دیگر به وجود بیاید.

### ساختارهای گفتاری و گزارش‌های خبری

در مطالعه‌ی موردی ما از خبار و بین‌المللی مطبوعات، ما مجموعه‌ای از تصورات نظری<sup>۴۲</sup> را از تحلیل گفتار گرفتیم که نیازمند مقدمه است.

قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که در تحلیل متن و گفتگوها در هر دو زمینه‌ی تحلیل گفتار درونی و بیرونی دارای روابط متغیری با نظریه‌های مختلف، روش‌های مختلف، مکاتب مختلف یا حتی دانشمندان مختلف است.

با این ملاحظه تحلیل گفتار به شدت متفاوت از بیشتر دیگر رشته‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی است.

با این وصف این مقدمه برخی تصورات اساسی تئوری یکسو و تحلیلی را که مؤثر در بررسی هستند بیان می‌دارد. برخی از این تصورات در جریان فعالیت ما در زمینه‌ی تحلیل گفتار توسعه یافته است.

### گفتار به عنوان یک واقعه ارتباطی<sup>۴۳</sup>

پیش‌تر ذکر کردیم که در گفتار در یک مفهوم گسترده‌تر، یک واحد پیچیده‌ی اشکال زبانی<sup>۴۴</sup> معنا و کنش است که به بهترین نحو می‌تواند تحت تأثیر یک واقعه یا کنش ارتباطی به دست آید.

مزیت چنین مفهوم سازی این است که گفتار هیچ شباهتی با

رسمی و پیچیده‌تر و کامل‌تر و جملات صحیح‌تر به لحاظ دستوری را به کار ببریم تا در زمینه‌ی مباحثات غیر رسمی. همچنین، عوامل اجتماعی نظیر جنس، پایگاه، قدرت یا قومیت نیز به متغیرهای سبکی<sup>۳۲</sup> تأثیر می‌گذارد.

به خصوص برای چگونگی، برتری مطبوعات این امر نیز برای گزارش‌های خبری صادق است که مایل به داشتن جملات پیچیده، بسیار رسمی مانند تجزیه یا شکستگی به جای آن‌ها شکسته‌اند و مجموعه‌ی اطلاعات رسمی که غالباً از سیاستمداران گرفته شده است، هستند. گاهی، گزارش‌های خبری نمایش دهنده‌ی ساختارهای نحوی هستند که در سایر اشکال تحلیل گفتمان به ندرت به نظر می‌رسند، مانند ساختار جملات میانی وارونه: به جای گفتار «منابع موثق گفتند که لیبی به وسیله‌ی نیروی هوایی ایالات متحده مورد حمله قرار گرفته است»، ممکن است این‌گونه بیان شود که «لیبی به وسیله‌ی نیروی هوایی ایالات متحده مورد حمله قرار گرفته است، منابع موثق این را بیان کرده‌اند».

بعدها ذکر خواهیم کرد که این‌گونه اطلاعات با اهمیت حائز اولویت خصوصیت ساختار عمومی گزارش‌های خبری در مطبوعات هستند، خصوصیتی که ما آن را تحت عنوان عمومی ساختار سازی مرتبط (وابسته) خلاصه کرده‌ایم.<sup>۳۳</sup>

تحلیل‌های دستوری کاربرد زبان در مطبوعات همچنین ممکن است آشکار کننده‌ی دیدگاه روزنامه‌نگاران یا روزنامه باشد.

دستور جمله، نقش‌های معنایی مشارکت‌کنندگان در یک واقعه را به وسیله‌ی نظم کلمات کارکردهای پیوندی<sup>۳۴</sup> یا به کارگیری اشکال معلوم یا مجهول بیان می‌دارد. تیتیری نظیر: پلیس تظاهرکننده را کشت. پلیس را در ابتدا در جایگاه فاعل قرار می‌دهد و بیان‌کننده‌ی این نکته است که پلیس نقش عامل را دارد.

در جمله‌ی منفی تظاهرکننده به وسیله‌ی پلیس کشته شد، پلیس نیز همچنان عامل است اما در این مورد، عبارتی که به تظاهرکننده بازمی‌گردد، در بخش اول در جایگاه فاعل است که معنایش این است که پلیس نقش مسلط کمتری در این قضیه داشته است. سرانجام تیتیر تظاهرکننده کشته شد، ممکن است که نقش پلیسی را به طور ضمنی بیان دارد.

همچنین دیدگاه در اخبار تلویزیونی ممکن است به وسیله‌ی شات‌های دوربین در یک فیلم خبری بیان گردد، که ممکن است از نقطه‌نظر پلیس به عنوان طرف دعوی یا دخالتش در آن واقعه به عنوان تظاهرکننده، حمله‌کننده یا مدافع برداشته شده باشد. همچنین در مطالعات گروه وسایل ارتباطی دانشگاه گلاسکو، توجه به دیدگاه رسانده شده (یا بیان شده) و ارزیابی در به کارگیری واژه‌هایی چون اعتصابات<sup>۳۵</sup> یا آشوب معطوف شده است.

صورت گرفته در زمینه‌ی اخبار و رسانه‌های خبری معطوف شده است، مرتبط می‌کنیم.

## تحلیل دستوری<sup>۳۹</sup>

در یک دیدگاه ساختاری، ماهیت انتزاعی تحلیل به ما اجازه می‌دهد که تمایزی را بین سطح مختلف یا ابعاد گفتمان قائل شویم.

در تولید واقعی کاربران زبان ممکن است که این سطوح کم و بیش به شیوه‌های مختلفی به کار گرفته شوند. بخشی از این سطوح انتزاعی گفتمان به لحاظ سنتی به وسیله‌ی دستور زبان‌شناسی<sup>۴۰</sup> (زبان) توصیف شده است؛ یعنی نظامی از قواعد و مقولات برای تحلیل انتزاعی اصوات، واژه‌ها و اشکال جملات و معانی آن‌ها.

در این شیوه ما به طور قابل ملاحظه‌ای توصیف فونولوژیک (آوا شناختی)، مورفولوژیک (تکواژ شناختی)، نحوی و معنا شناسی جملات را کسب کرده‌ایم.

در دستوره‌های گفتمانی<sup>۴۱</sup> با احتساب توالی جملات، این‌گونه توصیف‌ها مرتبط هستند: خصوصیات اشکال جملات (به عنوان مقال نظم کلمات) یا معنای مجلات ممکن است وابسته به خصوصیات سایر جملات در گفتمان باشد.

به عنوان مثال نمونه‌ی کاربرد ضمیری چون she غالباً فقط هنگامی باید به کار گرفته شود که به فرد مؤنثی که بیش از آن در متن بدان اشاره شده است، برمی‌گردد. به عنوان مثال عبارتی مانند دوست دخترم یا یک بازیگر زن یا کسی که شناخته شده یا قابل تشخیص برای شنونده براساس اطلاعات دیگر باشد.

این وظیفه‌ی زبان‌شناسی است که تا این‌گونه ساختارها را با جزئیات صریحاً مشخص کنند و به خصوص توصیفی نظری و تبیینی ساختارهای دستوری ممکن یک زبان طبیعی مشخصی را فراهم آورند.

هنگامی که ما انواع خاصی از گفتمان‌ها نظیر گزارش‌های خبری را تحلیل می‌کنیم، هدف ما نه تنها فقط تمرکز بر امکانات موجود است، بلکه بر ساختارهای دستوری ترجیحی یا نمونه که کاربرد زبان را در این‌گونه گفتمان‌ها مشخص می‌کند، نیز متمرکز می‌شویم. این معنایش این است که ما به طور ضمنی آن‌ها را با کاربرد زبان در سایر انواع گفتمان یا زمینه مقایسه می‌کنیم که همچنان پیش‌فرض‌هایی در خصوص تغییرات ممکن احتمالی ساختارهای دستوری در زمینه‌های متفاوت ارائه می‌دهد.

این تغییر مرتبط با زمینه‌ی سبکی است، رشته‌ای که نه تنها تغییرات احتمالی را برای انواع مختلف گفتمان توصیف می‌کند، بلکه در هدف‌های خاصی برای ارتباط بین این تغییرات و زمینه‌های فردی و اجتماعی کاربرد زبان به حساب می‌آید.

بنابراین در موقعیت‌های رسمی و در زبان مکتوب ما لیبیم تا واژه‌های

کنار دریا تماشای امواج را میسر می‌کند) در صورتی که تابعیت ما دیروز به کنار رفتیم، نرخ دلار ۱۰ درصد سال گذشته تنزل داشته، با یکدیگر پیوسته نیستند، چرا که دیدار ما از کنار دریا واقع‌ای نیست که تفسیر نرخ دلار را تحت تأثیر قرار دهد.

بنابراین ما ممکن است این قاعده‌ی پیوستگی را به واژه‌های ساده‌تری بازسازی کنیم، یک متن پیوستگی دارد و اگر توالی وقایع ممکن را توصیف نماید.

بنابراین در این‌جا پیوستگی با دانش‌ها و اعتقادات ما درباره‌ی آنچه که در جهان ممکن است ارتباط می‌یابد.

### نقش دانش (معلومات) در تفسیر

ما نیازمند دانشی از جهان و یک تحلیل شناختی و اجتماعی از آنچه که مردم در یک فرهنگ مفروض می‌دانند، هستیم و این‌که چگونه آنان این دانش را در تفسیر گفتمانی در کل و مخصوص ایجاد همبستگی به کار می‌برند.

این در اصل شناخت این واقعیت مهم است که انگیزش نقش با اهمیت روان‌شناسی شناختی (معرفتی) و هوشیاری ساختگی بر حسب تفسیر گفتمان است.

در این پژوهش، تحلیل سازمان و کاربرد دانش و اعتقادات در ذهن تبدیل به توصیفی با اهمیت از نقش ساختارهای گفتمانی در خلال فرآیندهای درک مطلب شده است. این امر نشان داده شده است که این دانش باید به طور کارآیی در خوشه‌های مخصوص که دستخط<sup>۴۸</sup> نامیده می‌شود، سازمان داده شود که دربر دارنده‌ی همه‌ی دانشی است که ما در فرهنگ خود درباره‌ی نمونه‌های نوع خاص یک فصل می‌داریم.

چنان‌که در سایر انواع گفتمان نیز موجود است، رسانه‌ها به شدت بر این گونه دانش اجتماعی و اعتقادات در پیوستگی با مجموعه‌هایی از وقایع قابل درک که نیازمند دانش یا اعتقادات سازمان یافته در متن است، مبتنی است. به عنوان مثال در خصوص جنگ‌های داخلی، حمله‌ی تروریستی، میتینگ‌های سیاسی، انتخابات یا انقلاب.

با این ابزار مفهومی ما بهتر برای مطالعه‌ی تفاوت‌های ایدئولوژیک در کاربردهای مرتبط دستخط‌ها و یا گرایش‌ها در گزارشگری خبری تجهیز شده‌ایم؛ به عنوان نمونه وقتی که دلایل برای بحران گرانا‌دا به وسیله‌ی نیروهای نظامی ایالات متحده ارائه می‌شود، هنگامی که روابط عادی ایشان در سایر کشورها در آمریکا مقایسه می‌شود، نظیر شیلی، پاراگوئه، قضاوت بهتری را با این پیش‌زمینه‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد.

### ساختارهای کلان<sup>۴۹</sup>

گام بعدی در تحلیل گفتمان در سطوح بالاتر یا جهانی‌تر عمل

اما گفتمان در این گزارش‌های خبری مبتنی بر جملات مجزا و تک افتاده نیست. بررسی دستور جملات سنتی و زبان‌شناسی سایر ساختارهای گفتمانی با اهمیت ضروری فرض شده است.

اولین و آشکارترین گام در این‌گونه تحلیل‌ها، مطالعه‌ی ساختارهای توالی جملات است. این معنایش این است که در سایر موارد که نحو یا معنای یک جمله در گفتمان بر حسب ساختارهای جمله‌ای و تفسیرهای جانبی (تفسیر جملات جانبی) توصیف می‌گردد، معمولاً جملات ماقبل در همان متن نقش اساسی ایفا می‌کنند.

نظم و کارکردهای واژه‌ها، یا نقش‌های معنایی مورد نظر ممکن است وابسته به این‌گونه محیط‌های گفتمانی باشد.

به عنوان نمونه اگر یک توالی (تابعیت) اساساً درباره‌ی فعالیت‌های تظاهرکنندگان باشد، مناسب‌تر است تا اعتراض کنندگان را در ابتدا در جایگاه فاعل قرار دهیم که نشان‌دهنده‌ی نقش موضوعی<sup>۴۶</sup> (عنوانی) باشد و به وسیله‌ی جملات مجهولی نظیر «آن‌ها به وسیله‌ی پلیس به ستوه آورده شده‌اند»، ادامه یابد یا جمله‌ای نظیر «پلیس آن‌ها را به ستوه آورده است»، ذکر گردد.

به عبارت دیگر به لحاظ ایدئولوژیک نقطه‌نظر نه تنها به وسیله‌ی ساختارهای جمله‌ای بیان شده است، بلکه به وسیله‌ی یک وابستگی نحوی و معنایی به متن نیز بیان می‌گردد. گاه در برخی جملات پس از بیان واقعه، مابقی جمله برای بیان از طریق ذکر ضمایر، تداوم می‌یابد و یا از طریق ذکر تأکید بر عبارات ریا با توصیفی جدید بیان می‌گردد. این روساخت و سایر روساخت‌هایی که ممکن است برای رساندن ارتباط معنایی مورد نظر به کار رود، معمولاً به عنوان خصوصیات این پیوستگی<sup>۴۷</sup> به کار می‌رود.

در این‌جا قواعد استراتژی‌هایی برای ایجاد پیوستگی (ارتباط) وجود دارد، و این امر مهم است که مشخص کنیم این گزارش‌های خبری کلی است یا نوع خاصی از موضوعات خبری است، نشان‌دهنده‌ی ترجیحات خاصی مورد تقاضا است یا انحراف از این‌گونه قواعد است.

در سطح معناشناسی، تحلیل گفتمان به عنوان یک توالی یا مجموعه‌ای از جملات، مجموعه‌ای با اهمیت از تفاسیر مرتبط را فراهم می‌آورد. معنا یا مربع کلمات، عبارات یا جملات، به عنوان کارکرد اختصاص یافته به جملات قبلی مورد مطالعه قرار گرفته است.

این جنبه از تحلیل گفتمان غالباً بر حسب پیوستگی محلی توصیف شده است (وان دیک ۱۹۷۷). یک قاعده‌ی ساده شده‌ی پیوستگی این است که جمله‌ی A پیوسته با جمله‌ی B است. اگر A به موقعیت یا واقعه‌ای برگردد که شرایط ممکن موقعیت یا واقعه بدان از طریق B مرتبط شده باشد.

بنابراین توالی (تابعیت) ما دیروز به کنار دریا رفتیم و ما موج‌های بسیاری دیدیم. پیوسته یکدیگر هستند براساس قاعده‌ی قبلی (رفتن به



می‌کند تا سطح خرد واژه، جملات و پیوندهای جمله‌ای. اگر ما می‌گوییم که یک گزارش خبری درباره‌ی حمله‌ی ایالات متحده به لیبی است، ما فقط به یک جمله‌ی مستقل یا یک نتیجه‌ی حاصل از جملات ارجاع نداده‌ایم، بلکه به گزارش به عنوان کل اشاره نموده‌ایم.

این معنایش این است که اصطلاحات مستقیم درک شونده نظیر درباره‌ی این است<sup>۵۰</sup> یا موضوع یا (تم) باید به شکل کلی (کامل) در سطح جهان محسوب گردد.

این اصطلاح نظری ساختار کلان معنایی<sup>۵۱</sup> در جهت اخذ این امر که جنبه‌های مهم گفتمان و آماده‌سازی گفتمان را معرفی کند به کار رفته است.

این امر عناوین کلی یا تم‌های یک متن را صراحت می‌بخشد و همچنین آنچه که می‌توانیم آن را پیوستگی کامل (کلی) یک متن بنامیم همچون نتایج و حاصل آن کلام تعریف کنیم. در زبان انگلیسی در خصوص بسیاری از واژه‌ها تکلم کنندگان به یک زبان غالباً بر این اطلاعات ساختارهای کلان تکیه می‌کنند.

ساختارهای کلان از معانی جملات یک متن به وسیله‌ی مجموعه‌ای از قواعد، به شکل انتزاعی به عنوان مثال زبان‌شناسی یا نظریه - به وسیله‌ی فعالیت‌هایی چون انتخاب، عمومی سازی و ساخت‌دهی، بیرون کشیده می‌شود.

این فعالیت‌ها نیز به شدت بر دانش ما از جهان استوار است. این‌ها به ما اجازه می‌دهد که نتایج پیشنهادی ذیل را در یک طبقه‌ی خاصی درآوریم. طرح‌های ایالات متحده برای لشکرکشی به لیبی. آن‌ها اطراف «بن‌غازی» را بمباران کردند و ... تحت یک پیشنهاد

یا عنوان کلان (کلی): ایالات متحده لیبی را مورد حمله قرار داد. در این‌جا ما می‌دانیم که حملات ارتش ممکن است دربر دارنده‌ی هواپیما نیز باشد، که معمولاً هواپیماها می‌توانند پرواز کنند و بمب پرتاب کنند و بمب پرتاب کردن نیز یکی از راه‌های حمله است.

براساس میزان مشارکت ما در اخبار این حمله قادریم که گزارش روزنامه درباره‌ی آن‌گونه حملات برای تعیین پیوستگی جهانی و یک عنوان یا تم جهانی درک کنیم.

ساختارهای کلان و فعالیت‌های شناختی که به کار گرفته می‌شود، در فرآیندهای تولید اخبار به وسیله‌ی گزارشگران و سردبیران و برای درک، انباشت (ذخیره)، به خاطر سپاری و پس از آن تولید مجدد به وسیله‌ی کاربران رسانه‌ها اهمیت اساسی دارد.

آن‌ها (ساختارهای کلان) توضیح می‌دهند که چگونه خبرسازان به طور مداوم و رونده تعداد زیاد متون منبع (پیام‌های سایر رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها یا کنفرانس‌های مطبوعات) که در تولید گزارش‌های خبری مشخص به کار می‌روند، خلاصه می‌کنند. بدون یک تئوری ساختارهای کلان قادر به احتساب ویژگی‌های خاص تیتراها و لیدها که به لحاظ موضوعی بقیه‌ی گزارش را خلاصه کرده‌اند، نیستیم.

و سرانجام ساختارهای کلان، این امر را که چرا بیشتر خوانندگان معمولاً تنها عناوین اصلی را به یاد می‌آورند، یعنی سطوح بالاتر ساختارهای کلان یک گزارش خبری را توضیح می‌دهند.

### نتایج

در این بخش کتاب باید برخی ملاحظات سیاسی و شخصی را

5. Barthes
6. Greimas 1966
7. Todorov 1966-1969
8. Kristeva 1969
9. Eco 1966-1976
10. Metz 1966
11. Bremond 1964- 1973
12. Semiotics
13. Morris 1938
14. Eco 1976, 1964 بارت
15. Hymes
16. Gumperz
17. Cicourel
18. Talk
19. (1978 chonkein, sudnow 1972)
20. Astin
21. Searle
22. Grice
23. Speech
24. Sociolinguistics
25. Actual languagense
26. Ervin – tripp (1969)
27. Lobov (1972)
28. Selfimposed
29. Elaborasion
30. Halliday
31. Theoretitralnotions
32. Dis course as communicative event
33. Linguistic form
34. Actual verbal atterabce
35. Talk
36. Conversation
37. Forms
38. Cognitive
39. Grammatical Analysis
40. Linguistic
41. Discovrte grammers
42. Stylistic
43. Relevance structring
44. Relational functishs
45. Disturbonco stmike
46. Topic
47. Cohesion
48. Scripts
49. Microstructures
50. Isabout
51. Semantic macrostructure
52. Symbolic capitalism

اضافه کنیم. گفتمان‌های عالمانه‌ی جدی معمولاً چنین ابعاد شخصی و سیاسی را پیشنهاد می‌کنند.

یاد گرفته‌ایم که معتقد باشیم بررسی‌های علمی همانند گزارشگری اخبار باید عینی و فارغ از حب و بغض باشد. ما عادت کرده‌ایم که از به کارگیری‌های ذاتی متون یعنی انگیزه‌ی اهداف و کارکردهای غائی آن غفلت ورزیم.

اما اگر پژوهش‌های انتقادی به ما یک چیز یاد داده است، آن این است که قواعد هنجاری را به عنوان مشخصه‌های ویژه‌ی یک ایدئولوژی مسلط که کارکردش پنهان کردن ابعاد ذهنی و سیاسی و به خصوص منافع موجود در پژوهش‌های آکادمیک است، بشناسیم.

در شیوه‌های ساختاری پیچیده‌تر، فعالیت ما انواع مختلف هژمونی را تأیید، بازتولید و مشروعیت می‌بخشد، اگر فقط اقتدار به وسیله‌ی مزایای اجتماعی خود ما به عنوان روشنفکران آزاد رسانده شود.

آزادی آکادمیک - بیشتر شبیه آزادی مطبوعات - غالباً به شرایط خودگردان آنچه که کاپیتالیسم نمادین<sup>۵۲</sup> نامیده می‌شود، هنگامی که توجه به مسئولیت اجتماعی خود یا سانسور ظرفیت‌های انتقادی خویش است، شکسته می‌شود.

در طول ۲۰ سال در میان همکاران دانشگاهی و کتب ایشان، این امر نقش زمینه‌ای را بازی می‌کرده است، اما اخیراً به عنوان یک برنامه‌ی انحصاری تر ظهور کرده است.

هنگامی که درگیر این مسئله می‌شوید، چنان‌که من درگیر توسعه‌ی اشعار زبان‌شناسانه، دستور متن، پراگماتیسم گفتمان یا روان‌شناسی پردازش متن بودم، به نظر می‌رسد که راه‌های آشکاری برای پی بردن به این‌گونه برنامه‌ها وجود دارد.

این امر در خصوص بیشتر افراد شاغل در موضوعات تکنیکی مشابه در سایر رشته‌های علوم انسانی همانند ریاضیات، پزشکی یا علوم طبیعی صادق است.

پس از همه چیز یک کار باید انجام شود برای آنچه که ما به استخدام خود درآورده‌ایم، توسعه‌ی نظریه‌های جدید، توصیف پدیده‌های کهنه (قدیمی) و جدید، و آموزش دانشجویان. تا بدین امر پی ببریم، این‌گونه گفتمان‌ها، به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی انجام شده است. تسلط، انتخاب یا تقدم پارادایم‌ها، نظریه‌ها، عناوین، اصطلاحات و تکنولوژی به ندرت - اگر نه همیشه - بی‌ضررند.

#### پاورقی:

1. Ethnography
2. Formalism
3. Vladimir prop (1928/1958)
4. Todorov 1966 تودرف

